



شعر منوچهر آتشی از نظر زبانی و ادبی با تکیه بر نظریه صورتگرایی

تألیف:

لیلا مرادی

انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

۱۳۸۸

میراثنامه	: مرادی، لیلا، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: شعر منوچهر آتشی از نظر زبانی و ادبی با تکیه بر نظریه صورتگرایی / تألیف لیلا مرادی
مشخصات نشر	: کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۴ ص.
فروست	: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه ۳۹
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۳-۸۳۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فهرها
پادداشت	: کتابنامه
موضوع	: آتشی، منوچهر، ۱۳۲۱ - ۱۳۸۹. — نقد و تفسیر
موضوع	: نقد ادبی
موضوع	: شکل گرایی (نقد ادبی)
موضوع	: ادبیات فارسی — تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
رده بندی کنگره	: ت.ش. ۱۳۸۸۷۳/۹۷۹۲۲
رده بندی دیویی	: ۱۳۷۱۸
شماره کتبشناسی ملی	: ۱۹۹۳۶۸۴



انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

- نام کتاب: شعر منوچهر آتشی از نظر زبانی و ادبی با تکیه بر نظریه صورتگرایی.

• مولف: لیلا مرادی.

• ناشر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

• حروفچینی و طرح جلد: به ترتیب لیلا مرادی و محمد علی ایزدپناه.

• نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸.

• تیراژ: ۲۰۰۰ جلد.

• تعداد صفحه: ۱۱۴ ص.

• قطع کتاب: وزیری.

• قیمت: ۲۲۰۰ تومان.

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نهضت.

• شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۳-۸۳۵-۴.

همه حقوق چاپ برای دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه محفوظ می باشد.

صحت مطالب کتاب به عهده مؤلف بوده و ناشر مسئولیتی در این موضوع ندارد.

آدرس انتشارات: کرمانشاه، میدان فردوسی، انتهای شهرک متخصصین، مجتمع امام خمینی، ساختمان پژوهش

(آیت اله نجومی)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. کدپستی: ۶۷۱۸۹۹۷۵۵۱

تلفن: ۰۸۳۱۷۲۴۳۱۸۱ نمابر: ۰۸۳۱۷۲۴۳۱۹۶

ما به همت مضاعف نیازمندیم، کشور به کار مضاعف نیازمند است.
دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی در همه زمینه ها اهداف بلندی را مد نظر قرار دهند و با همت
برتر و کار متراکم تر به سوی این اهداف افتخار آفرین حرکت کنند تا ایران عزیز، پس از
گذشت چند دهه، به مرجع علمی جهانیان تبدیل شود.

مقام معظم رهبری

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

شورای انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

دکتر مهدی روزرخ (مدیر مسئول انتشارات و معاون پژوهشی)

دکتر حمیدرضا عبدالمحمیدی (معاون آموزشی)

دکتر محمد مهدی جوکار (مدیر انتشارات)

مهندس بهروز راسخی (دبیر شورای انتشارات)

علیمراد احمدی

دکتر نوذر قنبری

« تا زمانیکه به جهان هستی عشق نورزی نمی توانی آفریننده باشی »

« اُشو »

تقدیم به او که مرا داد، شهادت خلق کردن یک عشق را ... پدرم

و آنکه مرا آموخت پروراندنش را ... مادرم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
خ	پیشگفتار
۱	مقدمه
	فصل اول
۲	بخش اول: نقد ادبی
۱۲	بخش دوم: نقد فرمالیسم
	فصل دوم
۲۰	هنجارگریزی و قاعده افزایی در شعر منوچهر آتشی
۲۰	۱. هنجارگریزی یا قاعده کاهی
۲۰	۱- ۱. هنجارگریزی یا قاعده کاهی واژگانی
۲۱	۱- ۱- ۱. فعل
۲۳	۱- ۱- ۲. اسم
۲۴	۱- ۱- ۲- ۱. اسم های مرکب
۲۶	۱- ۱- ۲- ۲. اسم های مشتق

- ۱- ۱-۳. صفت ۲۷
- ۱- ۱-۳-۱. صفت های مرکب ۲۷
- ۱- ۱-۳-۲. صفت های مشتق ۲۹
- ۱- ۲. هنجار گریزی یا قاعده کاهی آوایی ۲۹
- ۱- ۲-۱. ساکن کردن متحرک ۲۹
- ۱- ۲-۲. حذف کسره اضافه در بین ترکیبات اضافی و افزودن «ی» میانجی در بین آنها ۳۰
- ۱- ۲-۳. حذف کسره اضافه در کلمات مختوم به «ها» ی غیر ملفوظ باقی ماندن «ی» میانجی ۳۱
- ۱- ۲-۴. حذف «ی» متحرک و قایه میان کلمات مختوم به مصوت بلند «ا»، «و» و «ی» ۳۱
- ۱- ۲-۵. حذف و تغییر مصوت ها ... ۳۶
- ۱- ۲-۵-۱. حذف و تغییر مصوت بلند به کوتاه ۳۶
- ۱- ۲-۵-۲. تغییر مصوت ها ۳۶
- ۱- ۳. هنجارگریزی یا قاعده کاهی گویشی ۳۷
- ۱- ۴. هنجار گریزی یا قاعده کاهی سبکی ۴۵
- ۱- ۵. هنجار گریزی یا قاعده کاهی زمانی ۵۰

۵۲	۱-۵-۱. اسم
۵۴	۱-۵-۱-۲. تلفظ کهن واژه ها
۵۵	۱-۵-۱-۳. کاربرد ادات و سازه های کهن
۵۶	فعل
۵۶	۱-۵-۲-۱. کاربرد باستانگرایانه پیشوندهای فعلی
۵۶	۱-۵-۲-۱-۱. پیشوند فعلی «فرو»
۵۹	۱-۵-۲-۱-۲. پیشوند فعلی «بر»
۵۹	۱-۵-۲-۱-۳. پیشوند فعلی «وا»
۶۰	۱-۵-۲-۱-۴. پیشوند فعلی «فرا»
۶۱	۱-۵-۲-۱-۵. پیشوند فعلی «در»
۶۱	۱-۵-۲-۱-۶. پیشوند فعلی «فراز»
۶۱	۱-۵-۲-۲. کاربرد فعل های ساده و مرکب کهن
۶۷	۱-۵-۳. حروف
۶۷	۱-۵-۳-۱. حرف «وا»
۶۷	۱-۵-۳-۱-۱. «وا» در معنی «برای»
۶۷	۱-۵-۳-۱-۲. «وا» در معنی «به»

- ۶۸ ۱- ۵-۳-۱-۳. «را» در معنی «در»
- ۶۸ ۱- ۵-۳-۱-۴. «با» در معنی «به»
- ۷۰ ۱- ۵-۳-۱-۵. «به» در معنی «در»
- ۷۰ ۱- ۶. هنجار زدایی یا قاعده کاهی نحوی
- ۷۲ ۱- ۶-۱. تقدیم فعل بر سایر ارکان جمله
- ۷۳ ۱- ۶-۲. حذف فعل
- ۷۳ ۱- ۶-۲-۱. حذف فعل به قرینه لفظی
- ۷۴ ۱- ۶-۲-۲. حذف به قرینه معنوی
- ۷۵ ۱- ۶-۳. جابجایی ارکان فعل
- ۷۶ ۱- ۶-۴. تقدیم مسند به مسند الیه
- ۷۶ ۱- ۶-۵. ضمائر رقصان
- ۷۷ ۱- ۶-۶. ترکیب وصفی مقلوب با حذف کسره اضافه
- ۷۸ ۱- ۶-۷. ترکیب اضافی مقلوب با حذف کسره اضافه
- ۷۹ ۱- ۶-۸. حذف «یا» ی نکره - وحدت و آوردن حرف «ک»
- ۷۹ ۱- ۶-۹. کاربرد «نه» ی منفی ساز
- ۷۹ ۱- ۶-۹-۱. به عنوان نشانه نفی در جملات اسمیه با حذف فعل

- ۸۰ ۱-۶-۹-۲. به عنوان نشانه ، نفی در جملات فعلیه
- ۸۰ ۱-۶-۱۰. جابجایی عناصر نحوی زبان
- ۸۰ ۱-۶-۱۰-۱. قید در جایگاه صفت
- ۸۱ ۱-۶-۱۰-۲. قید در جایگاه اسم
- ۸۲ ۱-۶-۱۰-۳. اسناد صفت مضاف الیه به مضاف در ترکیب اضافی
- ۸۳ ۱-۶-۱۰-۴. صفات طولانی و پی در پی در ساختن اضافی
- ۸۵ ۱-۶-۱۰-۵. حذف مفضل علیه در کاربرد صفت تفضیلی
- ۸۶ ۱-۶-۱۱. هتجارگریزی در کاربرد حروف
- ۸۶ ۱-۶-۱۱-۱. کاربرد «واو عطف» در آغاز مصراع
- ۸۷ ۱-۶-۱۱-۲. واو عطف در آغاز شعر
- ۸۷ ۱-۶-۱۱-۳. واو عطف بجای یک مصراع
- ۸۸ ۱-۷. همجار زدایی یا قاعده کاهی معنایی
- ۹۱ ۱-۷-۲. استعاره
- ۹۲ ۱-۷-۳. حسامیزی
- ۹۳ ۱-۷-۴. پارادوکس یا متناقض نما
- ۹۳ ۲. قاعده هتجار زدایی

- ۹۴ ۱-۲. توازن آوایی
- ۹۵ ۲-۲. توازن واژگانی
- ۹۵ ۱-۲-۲. تکرار آوایی کامل یک صورت زبانی واحد
- ۹۵ ۱-۲-۲-۱. تکرار آغازین
- ۹۷ ۲-۲-۱-۲. تکرار پایانی «ردیف»
- ۹۸ ۲-۲-۱-۳. تکرار میانی
- ۹۸ ۲-۲-۱-۴. تکرار در آغاز بند
- ۹۹ ۲-۲-۱-۵. تکرار در پایان بند
- ۹۹ ۲-۲-۱-۶. تکرار در آغاز و پایان بیت (ردالعجز علی الصدر)
- ۱۰۰ ۲-۲-۱-۷. تکرار در پایان و آغاز دو بیت (ردالصدر علی العجز)
- ۱۰۱ ۲-۲-۱-۱. قافیه (سجع متوازی)
- ۱۰۱ ۲-۲-۲-۲. قافیه (سجع مطرف)
- ۱۰۲ ۲-۲-۲-۳. سجع متوازن
- ۱۰۲ ۲-۲-۲-۴. جناس مضارع
- ۱۰۲ ۲-۲-۲-۵. جناس زاید
- ۱۰۳ ۲-۲-۲-۶. جناس اشتقاق و شبه اشتقاق

۱۰۴ هنجارگریزی ها و قاعده افزایی های زبانی اشعار منوچهر آتشی

۱۱۱ فهرست منابع

نقد ادبی در طول قرن های متمادی، شیوه و رویکردهای متفاوتی را تجربه کرده و هر رویکرد بنا به شیوه های خاص خود کوشیده است ادبیات را مورد نقد و تحلیل قرار دهد: اخلاق گرایان، سیاست گرایان، جامعه شناسان و... هر کدام از منظر خاص خود به ادبیات نگریسته اند و از همان منظر آثار ادبی را نقد کرده اند. این رویکردها از همان زمان افلاطون، ارسطو و هوراس وجود داشته و تا پیش از قرن بیستم همچنان به عمر خود ادامه داده اند. اما با روی دادن تحولات و دگرگونی های گوناگون در اوایل قرن بیستم، لزوم روی آوری به رویکردهای جدید در نقد ادبی، منتقدان را بر آن داشت تا ادبیات را نه از دریچه محتوا بلکه از دیدگاه شکل گرایانه نیز مورد نقد و بررسی قرار دهند. در همین راستا بود که فرمالیست های روس با اصطلاحاتی نظیر هنجار گریزی، ریخت قاعده افزایی، وجه غالب، آشنایی زدایی، ادبیت ادبیات و مفاهیمی از این قبیل، رویکرد جدید را در نقد ادبیات وارد عرصه کردند که -چنانکه گفتیم- با نام رویکرد ریخت گرایانه و شکل گرایانه به اثر، از بقیه رویکردها متمایز می شود. ریخت گرایان علاوه بر پرداختن به فرم اثر، بررسی های زیباشناختی ادبیات را نیز در کانون توجه خود قرار دادند و اصلاً بخش اعظم ریخت گرایان، خود، زیانشناس بودند.

افزون بر این، فرمالیست های زبان شناس، ادبیات را حادثه ای در زبان قلمداد می کردند و بدین ترتیب مجوز ورود خود به عرصه ادبیات را صادر می کردند.

زبان خودکار و زبان ادبی اصطلاحات دیگری بودند که از طریق این زیانشناسان وارد قلمرو نقد ادبی شد. در کشور ما، ایران نیز بررسی ها و نقدهای ادبی حول محور محتواگرایی و موضوعات فراتر از متن می چرخید و ابعاد زیباشناختی اثر ادبی کم تر مورد توجه قرار می گرفت و باتوجه به اینکه علم زیانشناسی در ایران نوپاست و هنوز مراحل تکاملی خود را چنان که باید طی نکرده، به همین خاطر به نقد فرمالیستی آثار ادبی نیز کم تر اهمیت داده می شد.

پس ریخت گرایی از آن جهت مورد توجه قرار گرفت که شیوه نقد متون را که تا قرن بیستم رایج بود دگرگون ساخت. فرمالیست ها با تأکید به «ادبیت متن» مهم ترین وظیفه منتقد را دستیابی به اجزایی می دانستند که ادبیت متن را به وجود آورده است و در این راه به شکل متن توجه داشتند.

منوچهر آتشی از نظر شیوه کار و ارزش و اعتبار کاری اش یکی از چهره های برجسته بعد از نیماست و سزاوار است که این جایگاه را بشناسیم و بگوییم که به حق بعد از نیما یکی از اصیل ترین کسانی که شعر نیمایی را در صورت های مختلف ادامه داد منوچهر آتشی بود. با تسلطی که به ادب کهن داشت، نیز در یک بررسی جدی چشم اندازها و نگرش های تازه او در شعر امروز نشان می دهد که او برتر و حتی یگانه بوده است. آتشی شاعر بود اما جایگاه بالای شعری او را آنگونه که شایسته اوست در کتابهای درسی و دانشگاهی نمی بینیم. او در معرفی شاعران و جریان های شعری متفاوت، قصد معرفی خودش را نداشت یا سعی نداشت به این ترتیب شعر خود را به دیگران القا یا دیکته کند و یا حتی کسی را به شیوه ی شعری خودش ترغیب نماید.

لیلا مرادی

سال ۱۳۸۸

کتاب حاضر تلاشی است که باتوجه به مکتب « ریخت گرایی » یا فرمالیسم به نقد اثر ادبی نگاه می کند. نگاهی که هرچند در مملکت ما نوین است ولیکن در واقع چند دهه از عمر آن می گذرد. مفهوم نقد در گذشته با آنچه امروز از آن استنباط می شود متفاوت است. در گذشته منتقدین به زندگی مؤلف و زمینه های اجتماعی، تاریخی، روانکاوی و به طور کلی مسائل فرامتنی توجه خاصی از خود نشان می دادند، اما امروز با توجه به مکاتب نقد جدید تنها به برشمردن عیب های یک اثر بسنده نمی شود، بلکه سعی در آن است که با تجزیه و تحلیل، علت برجستگی آن را یافته و از این طریق دسترسی به ساختار و معنی میسر گردد. باید توجه داشت که نظرات و اندیشه های نو می تواند باعث اعتلای علمی در هر زمینه ای باشد.

در پایان شایسته است سخن خویش را با سپاسگزاری و یاد نیک، از استادان بزرگوارم خانم دکتر فروغ صهبا و آقای دکتر محمدرضا عمرانپور که در طول تحصیل در زمینه مباحث کتاب، از محضرشان بهره ها برده ام پایان رسانم . همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمود فضیلت که با نکته سنجی و دقت نظر در بازخوانی متن، اصلاح برخی اشتباه ها، ذکر نکات شایسته انتقادی اینجانب را یاری نمودند و پیشنهادهای ایشان در بهترشدن این کتاب نقش مؤثر داشته است صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

فصل اول

بخش اول:

نگاهی گذرا به زندگی منوچهر آتشی

آتشی می گوید: «من اصلاً از نظر تبار، یک ایلانی کامل هستم. خانواده ما از زنگنه های کرمانشاه هستند که ایللی بزرگ از شعبات متعدد کرد است، و خود کرد هم منشأ ایلات متعدد لر است.» آتشی در حالیکه در هوای شرجی بندر بوشهر نشسته است خود را یک زنگنه ی تمام عیار می داند که معتقد است اجدادش در سالهای دور به سبب های معلوم و بعضاً نامعلوم به جنوب کشور کوچ کردند. گویا به هنگام نوشتن شناسنامه پدرش برای اینکه یاد گذشتگان را زنده کند نام خانوادگی «آتشی» را انتخاب کرد چون نام جد بزرگ پدریش «آتش خان زنگنه» بود.

او می گوید:

«ظاهراً- بنا به روایت شناسنامه- در مهرماه سال ۱۳۱۰ شمسی در روستای «دهرود» دشتستان، در بخش بوشکان ناحیه ی جنوب کشور (بوشهر) متولد شده ام. اینکه می گویم ظاهراً برای این است که بنا به گفته ی پدر و مادر، به محض تولد- در سال ۱۳۱۲ شمسی- پدر به خاطر فرار از اجباری یا گرفتن جیره ی اضافی کارمندی یا نمی دانم چه چیزهای دیگر، تاریخ دو سال قبلش را برای تولدم گذاشته است. تحصیلات ابتدایی و دوره ی اول متوسطه را در بوشهر و حومه گذراندم و برای گذراندن دوره ی دانشسرای مقدماتی به شیراز رفتم. در سال ۱۳۳۳ شمسی به افتخار معلمی نایل آمدم، و در حومه بوشهر و خود بوشهر به تدریس پرداختم. در سال ۱۳۳۹ به دانشسرای عالی تهران راه یافتم و در رشته ی «زبان انگلیسی» و تعلیم و تربیت به اخذ لیسانس توفیق پیدا کردم. در پایان سالهای خدمت دبیری، خود را به رادیو تلویزیون منتقل کردم و به عنوان ادیتور در انتشارات آن سازمان به کار پرداختم. در پایان سال ۱۳۵۹ بازنشسته شدم و به بوشهر بازگشتم...»^۱

۱. یا حسینی، «سیدقامم، آتشی در مسیر زندگی»، ص ۲۴.

۲. آتشی، منوچهر، «گزینه اشعار»، ص ۵.